



عنوان مقاله

نویسندگان

شخصیت خصوصیتی تکامل پذیر از منظر روان شناسی و اسلام

انیس اسدی، دانشگاه امام صادق(علیه السلام)، تهران

مقدمه

انسان در میان موجودات عالم آفرینش، شخصیتی پیچیده دارد، از این رو در قرآن کریم هم مدح و ستایش و هم نکوهش و مذمت شده است، سبب ستایش و نکوهش این است که او موجودی دوسرشتی میباشد، انسان در طول دوره زندگی خود، پیوسته یا متریبی است یا مریبی؛ یا تاثیر می پذیرد یا تاثیر میگذارد و در هر حالت پای عامل تاثیرگذار بر شخصیت درمیان است، شکل گیری شخصیت ناشی از عواملی است که بدون توجه به آنها و بدون شناخت آنها، نمیتوان برنامه تربیتی مناسبی برای انسان طراحی نمود در حقیقت شخصیت انسان، روح و مجموعه ی صفات و ملکات روحی و روانی است و آدمی در سازندگی و رشد یا انحطاط و تباهی آن موثر است و در چگونگی شکل گیری آن اختیار دارد، مطابق آموزه های قرآن کریم انسان باید از ورود عوامل مخرب و تباهی شخصیت خود ممانعت کند و از راهکارهای اصلاح شخصیت جهت کمال و رشد آن استفاده نماید، از اینروست که قرآن کریم در موارد بسیار و متعددی راهکارهایی را برای اصلاح شخصیت ارائه داده است، بنابراین انسان باید راهکارهای قرآن برای اصلاح شخصیت را همواره سرلوحه کارخویش قراردهد. در این مورد که شکل گیری شخصیت انسان معلول عوامل سرشتی است یا محیطی، دیدگاههای مختلف و گاه متناقضی بیان شده است، ولی آنچه که در اسلام امری مورد پذیرش و مسلم است، تربیت پذیری انسان میباشد، ارسال رسولان الهی(ع) و مسئولیت آنان در هدایت بشر گواهی روشن و آشکار بر این واقعیت است. تحقیق در شخصیت به معنای مطالعه چگونگی تفاوت افراد در ادراک و نحوه ارتباط این تفاوت ها با کنش کلی انسان است، حال با توجه به اینکه خصوصیات شخصیتی، بعنوان محرکه های خلق و خو، برای دستیابی به هدف تلقی میشوند، به این معنا که این خصوصیات، انسان را مستعد انجام رفتارهای متفاوت در موقعیت های خاص مینماید، برآن شدیم تا به پژوهشی در خصوص شخصیت و بررسی ثابت یا متغیر بودن آن بپردازیم بنابراین در ابتدا به بررسی این میپردازیم که از دیدگاه روان شناسی و قرآن، شخصیت چگونه شکل میگیرد و به مقایسه دیدگاه روان شناسی و اسلام در خصوص انسان سالم و شخصیت سالم می پردازیم و سپس به این میپردازیم که آیا رشد و تعالی شخصیت انسان مرزی دارد و عوامل رشد و شکل گیری شخصیت انسان چیست ودر نهایت تاثیر مثبت و منفی خانواده را در رشد شخصیت مورد بررسی قرار میدهیم.

یافته ها و نتایج

- ۱- شخصیت انسان شاکله ها دارد، یک شاکله آدمی زاییده نوع خلقت و شرایط روحی و محیطی و خانوادگی اوست که شاکله ای خلقتی و شخصی است و از فعل و انفعالات مزاجات بدنی شخص حاصل میشود و شاکله دیگر در اثر وراثت و تربیت و فرهنگ اجتماعی غیراختیاری مانند محیط و نظام سیاسی و اجتماعی برای انسان ایجاد میشود. از نظر اسلام هم عوامل سرشتی و هم عوامل محیطی در شکل گیری شخصیت انسان دخالت دارند، به همین دلیل است که اسلام برای تربیت درست انسان در هر کدام از این دو حوزه راهکارهایی کارآمد ارائه داده است.
- ۲- دیدگاه روانشناسان بدون توجه به روح و روان ارائه شده و روانشناسان معاصر عمدتاً عوامل بیولوژیک، اجتماعی و فرهنگی را در تحقیقات خود مورد توجه قرار داده اند و در حقیقت به جنبه معنوی و تاثیر آن بر شخصیت انسان توجه زیادی نشان نداده اند، در حالیکه مولفه های شخصیت در الگوی دینی عبارتند از دو ساحت مادی و غیرمادی.
- ۳- مکاتب روانشناسی و اسلام در خصوص شخصیت سالم نظریات متفاوتی دارند، در دیدگاههای روانشناسی نگاه منفی و گاه جبرگرایانه در خصوص انسان وجود دارد، در حالیکه اسلام، انسان را در بدو تولد موجودی پاک میداند، که میتواند در طول زندگی به خیر یا شر گرایش داشته باشند.
- ۴- مکاتب روانشناسی تنها در خصوص جنبه نظری اظهار نظر کرده اند، در حالیکه اسلام علاوه بر جنبه نظری، الگوی عملی شخص سالم را هم پیش روی انسان ها قرار داده است، همچنین دیدگاههای اسلام توسط وحی بیان شده است و خدشه بردار نیست در حالیکه مکاتب روانشناسان از ذهن و عقل خطاپذیر بشر ناشی شده است.
- ۵- از نظر قرآن ایمان، خردورزی، نیک رفتاری، علم و آگاهی، عبادت و پرستش، عفت و پاکدامنی و همراهی و همناندی با الگوها مهمترین عوامل رشد شخصیت بشمار می آید.
- ۶- شکوفایی استعدادهای درونی و بیرونی، محور و هدف روانشناسی انسان سالم است که میتوان از طریق تربیت سالم، بهره گیری از امکانات شناختی، ارتباط با خدا و تقلید به دین و عمل به کلام خدا، این استعدادهای نهفته در فطرت را شکوفا ساخت و زمینه شکوفایی و رشد شخصیت سالم را فراهم آورد. از نظر اسلام، هراندازه فرد بتواند در مسیر فطرت گام بردارد، به همان مقدار سالمتر است.
- ۷- در بین عوامل تاثیرگذار بر شخصیت انسان، خانواده که از نظر قرآن دارای سه شاخصه ای آرامش، مودت و رحمت است، بیشترین اثرگذاری را بر شخصیت انسان دارد، به این دلیل که محیط خانواده، مناسب ترین و اولین و نسبتاً طولانی ترین زمان و مکانی است که کودک به آن قدم میگذارد و تمام نیاز های روحی و جسمی او میتواند در آن تامین شود.

بحث و نتیجه گیری

شخصیت در قرآن با-شاکله-عنوان شده است، برخی از مفسران گفته اند: شاکله، سبجه و خلق و خوی است که انسان را مقید و وابسته میسازد و انسان تحت تاثیر آن است. روان شناسان با وجود عدم توافق در تعریف شخصیت، برای باور هستند که شخصیت، کل خصوصیات و صفات فرد است که بصورت دائمی در فرد موجود میباشد و منجر میگردد که فرد با محیط ارتباط داشته باشد و شخصیت، علاوه بر آنچه بوده ایم، بوسیله آنچه امیدواریم که باشیم، تعیین و مشخص میشود، بنابراین تغییر پذیر است. اسلام بسیار قیل از فروید و سایر دانشمندان که شخصیت را به سه قسمت «نهاد»، «خود» و «فراخود» تقسیم کرده اند، طبیعت انسان را به سه قسمت که هریک در فطرت و طبیعت بشر وجود دارند و دارای اهداف و وظایف مشخصی در شکل دادن به شخصیت انسان میباشد، تقسیم نموده است، این سه قسمت عبارتند از: نفس اماره (معادل آنچه قرن هابعد فروید به نام «نهاد» شناخت). -نفس لوامه (معادل «فراخود» از دیدگاه فروید). -نفس مطمئنه (معادل مفهوم «فراخود»). باید بیان داشت که این دیدگاه اسلام است که در خصوص عوامل شکل گیری شخصیت، مورد قبول است که قائل است که شخصیت هم متأثر از عوامل درونی و سرشتی و هم متأثر از عوامل محیطی و بیرونی است. در نگاه قرآن برخلاف روانشناسی، حقیقت انسان به روح و روان وی ارتباط دارد و از بنیادی ترین و مهم ترین مولفه های شخصیت سالم، پذیرش یک نظام اعتقادی و شناختی و نوعی جهان بینی است که باعث معنادار شدن جهان و حیات انسان میگردد، انسان سالم در مکاتب روانشناسی ممکن است که در یک بعد شخصیتی تعادل داشته باشد اما به دیگر ابعاد وجودی او توجهی نشده است، در حالیکه الگویی که اسلام ارائه میکند دارای جامعیت است. خداوند در قرآن کریم به روشنی بیان میدارد که راه تغییر و تحول باز است و «توبه» را بعنوان بهترین ابزار برای این تغییر و تحول معرفی میکند، با برقرار بودن و ثابت بودن اصل فطرت انسان، او مجاز به تغییر در شخصیت اش است و نه تغییر در اصل انسان و بنده بودنش، بنابراین بهترین روش خواسته ای که انسان مومن میتواند از خداوند متعال داشته باشد، این است که او را در مسیر فطرتش قرار دهد. همچنین از نظر قرآن کریم، کمال، رشد و تعالی انسان، حنیفپایانی ندارد و شخص به هر جایی که برسد، هنوز امکان صعود به بالاتر برای وی وجود دارد، پس شخصیت از منظر اسلام و روان شناسی با تحلیل های متفاوت، خصوصیتی کاملاً تکامل پذیر است.

منابع

۱. القرآن الکریم
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۳۴۹). الامالی (چاپ دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. بشیری، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). الگوی انسان کامل با رویکردی روانشناختی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴. پروین، لارنس، جان الیور. (۱۳۸۱). شخصیت: نظریه و پژوهش. ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: انتشارات آبیژ.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تفسیر موضوعی قرآن- فطرت در قرآن (چاپ اول). قم: اسراء.
۶. حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۳۸۴). الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه. بی جاکتبه المفید.
۷. شرفی، محمد رضا. (۱۳۶۸). مراحل تحول و رشد انسان. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۸. یامی میرحسینی، سید کمال. (۱۳۹۱). شخصیت و شخصیت شناسی (چاپ اول). مشهد: سیمرغ خراسان.
۹. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

روش

از آنجا که بررسی دو دیدگاه روان شناسی و اسلام در خصوص تکامل پذیر بودن یا نبودن شخصیت نیازمند بررسی داده های این دو دیدگاه است، روش حاکم بر این مقاله اسنادی- کتابخانه ای بوده است. در ابتدا با این روش به بیان تعریفی از شخصیت و سپس عوامل شکل گیری شخصیت و بررسی شخصیت سالم از منظر روان شناسی و اسلام پرداخته ایم، سپس به بررسی تحول و دگرگونی شخصیت از منظر این دودیدگاه پرداخته شده است و در نهایت عوامل و زمینه های رشد شخصیت از منظر اسلام بررسی گردیده است.

همچنین با توجه به اینکه تمرکز این پژوهش بر مباحث مبنایی مکتب اسلام بوده است، بهینه ترین روش، روش کتابخانه ای تشخیص داده شد، چرا که دسترسی به منابع متنوعی را فراهم می آورد که از استناد بالایی برخوردار هستند.

